

ویژگی‌های سبکی و فضایل اخلاقی در غزلیات صابر همدانی در مقایسه با نقاشی‌های کمال‌الملک

چکیده

سبک‌شناسی به معنای حقیقی خود در ایران سابقه‌ای نداشته است و نخستین آثار در تذکره‌ها دیده می‌شود. تذکره‌نویسان، ضمن به‌کار بردن عبارات مشحون از صنایع لفظی و معنوی درباره وجهه امتیاز سبک وی به تسامح گذرانده، گفتار را به تمجید اغراق‌آمیز خداوند ترجمه به پایان می‌رسانند. ضرورت انجام پژوهش حاضر در فقدان مطالعات جامع در باب سبک و ساختار شعر شعرای معاصر همدان به‌خصوص دو شاعر معروف (صفاءالحق، صابر) می‌باشد. این ضرورت وقتی مضاعف می‌گردد که بدانیم شاعران مذکور بعضاً در حوزه غزل به نوعی تشخیص سبکی داشته‌اند. همچنین یادآوری این نکته ضرورت دارد که تاکنون پژوهش‌های منسجم علمی در مورد صابر، انجام نشده است. باتوجه به سبک‌شناسی شعر و ادوار شعر فارسی، ویژگی‌های هرکدام از سبک‌های رایج در ایران (خراسانی، عراقی، هندی و بازگشت)، عمده مسئله ما در این پژوهش، بررسی و تحلیل سبک غزلیات شاعران همدانی از منظر زبانی و فکری مطابق با مؤلفه‌های موجود و تطبیق غزلیات آن‌ها با آن مؤلفه‌ها و تعیین سبک شعر و شاعری آنان است. کمال‌الملک نیز به‌عنوان یکی از نقاشان برجسته دوره قاجار در آثار خود به زندگی اجتماعی و اخلاق توجه کرده است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی و تحلیل سبک غزلیات شاعران همدانی از منظر زبانی و فکری مطابق با مؤلفه‌های موجود.
۲. بررسی ویژگی‌های سبکی و اخلاقیات در آثار کمال‌الملک.

سؤالات پژوهش:

۱. ویژگی‌های سبکی غزلیات شاعران همدانی مطابق با کدام یک از سبک‌های رایج ادبی است؟
۲. ویژگی‌های سبکی و اخلاقیات در آثار کمال‌الملک چگونه بود؟

کلیدواژه‌ها: تحلیل سبک، غزلیات، صابر همدانی، سبک‌شناسی.

مقدمه

سبک، وحدتی است که در آثار کسی به چشم می‌خورد. یک روح یا ویژگی یا ویژگی‌های مشترک و متکرر در آثار کسی است. به عبارت دیگر، این وحدت منبعث از تکرار عوامل یا مختصات است که در آثار کسی هست و توجه خواننده دقیق و کنجکاو را جلب می‌کند. ممکن است برخی از این عوامل یا مختصات سبک‌ساز نسبتاً آشکار باشند اما معمولاً و غالباً پنهان و پوشیده‌اند. عوامل سبک‌ساز اثر ممکن است حتی برای متخصصان هم، روشن و شناخته نباشد. زمینه مشترک یا وحدت یعنی سبک فقط منوط به عوامل لفظی (زبانی) نیست بلکه در تفکر و بینش هم وحدت یا تکرار عوامل و عناصر خاص اندیشگی حضور دارد. بین تفکر و زبان ارتباط مستقیمی است و از این رو برخی در مطالعات سبکی عملاً زبان را (به نیابت از تفکر) مورد مذاقه قرار داده‌اند (شمیسا، ۱۳۹۳: ۱۶). سبک خراسانی یعنی سبک آثار نخستین و کهن زبان فارسی که عمدتاً در مشرق ایران شکل گرفته است. آثار متفرقه دیگری را هم که در همان دوران کهن بیرون از خراسان آفریده شده است به مجاز تغلیب یا غلبه خراسانی می‌خوانند (شمیسا، ۱۳۸۲: ۲۰-۲۰).

مختصات سبک خراسانی شامل مختصات: ۱- زبانی؛ ۲- فکری؛ ۳- ادبی می‌باشد. گویندگان این دوره برخلاف دوره‌های بعد زبان فارسی را از روی آثار ادبی پیش از خود نمی‌آموختند. از این رو زبان ایشان طبیعی و ساده و روان است. در آن تعقید و ابهام نیست. شعر این دوره مشتمل بر مجموعه‌ای از لغات است که بسامد آن در دوره‌های بعد کم می‌شود و یکسره از بین می‌روند (همان، ۶۵-۶۴). از لحاظ فکری شعر این دوره شاد و پر نشاط است و روحیه تساهل و خوش باشی را تبلیغ می‌کند و از محیط‌های اشرافی و گردش و تفریح و باغ و بزم سخن می‌گوید. شعری واقع‌گراست و اوضاع دربارها، محیط زندگی، روابط ارباب و کنیز و غلام، تفریحات و مآوای لشکرکشی‌ها و جنگ را منعکس می‌کند و در آن از امور ذهنی و خیالی خبری نیست (همان، ۶۹-۶۶ نقل به اختصار).

باتوجه به آنچه درباره سبک‌شناسی شعر و ادوار شعر فارسی ویژگی‌های هر کدام از سبک‌های رایج در ایران نوشتیم، عمده مسئله ما در این پژوهش، بررسی ویژگی‌های فکری، ادبی و زبانی غزلیات چهار شاعر همدانی (صفاءالحق، صابر، غمام و مفتون) مطابق با مؤلفه‌های موجود و تطبیق غزلیات آن‌ها با آن مؤلفه‌ها و تعیین سبک شعر و شاعری آنان است. مثال‌هایی از دیوان چهار شاعر نام برده می‌تواند مسئله این پژوهش را توضیح بیشتر دهد و گرایش چهار شاعر مورد نظر را به یکی از سبک‌های متداول نشان دهد.

کمال‌الملک نیز اساساً چهره‌نگار و منظره‌نگار بود؛ و در تک‌چهره‌هایی چون «سید نصرالله تقوی» قابلیت و مهارت خود را به حد کمال نمایان ساخت. کمال‌الملک با کوشش‌های خود در مقام نقاش و معلم پاسخی متناسب با شرایط اجتماعی و فرهنگی زمانه‌اش به ضرورت تحول هنری جامعه داد. بازتاب این کوشش‌ها در ذهن مردم خصوصیات اخلاقی، نحوه زندگی و واقعه کورشدنش از او یک مرد افسانه‌ای ساخت.

کتاب شرح احوال و گزیده آثار صفاءالحق همدانی از ذکاوتی قراگزلو (۱۳۹۶) را می‌توان در حکم پیشینه پژوهش حاضر به‌شمار آورد که در این مقدمه به مشرب عرفانی صفاءالحق، طنزپردازی وی، هزلیات وی که بیشتر جنبه تمرین سخنوری دارد، اشاره شده است. صفاءالحق در غزل به صائب و سبک هندی نظر دارد. احتمال می‌رود روش او توسط صابر همدانی مورد اقتباس قرار گرفته و از طریق او به حوزه امیری فیروزکوهی راه یافته و مورد استقبال و پیروی قرار گرفته باشد؛ زیرا پس از دوران بازگشت ادبی، اوایل قرن سیزدهم هجری، در ایران پیروی از غزل‌سرایی به سبک هندی مرسوم نبود و به نظر می‌آید مرحوم صفاءالحق این شیوه را دوباره از هند به ایران آورده است. موسوی (۱۳۹۲) در

کتاب خواب در «خم قلاب (زندگی نامه و غزلیات صفاءالحق همدانی)»، بخشی از کتاب حاضر را که به تحلیل غزلیات صفاءالحق پرداخته است، می توان آن را در حکم پیشینه پژوهش به شمار آورد که ناظر به ویژگی های زبانی و ادبی اشعار صفاءالحق است و شعر صفاءالحق را در ترازوی سبک هندی برسنجیده است و امتیاز پژوهش حاضر بر پژوهش فوق در تبیین و تحلیل ویژگی های فکری و درون مایه غزلیات صفاءالحق است. برقی (۱۳۷۳) در کتاب سخنوران نامی معاصر ایران، به سبک شعری صابر که سبک هندی بوده و همچنین پیروی او در غزل سرایی از صائب اشاره رفته است و نگارنده تأکید ورزیده که او از میان قوالب شعری مختلف در سرودن غزل مهارت داشته است. نویسنده همچنین این کتاب به سیر زندگی ادبی و شعری مفتون، مشرب عرفانی وی و همچنین مضامین شعری اش که مشتمل بر افکار آزادی خواهانه بوده است اشاره شده و نویسنده کوشیده است تا مفتون را شاعری اجتماعی، ملی و میهنی معرفی کند که در بیداری مردم نقش مؤثری ایفا کرده است (همان ۵/ ۳۳۶۵-۳۳۶۴)

حاج سید جوادی (۱۳۸۳) در مقاله ای که در این دایره المعارف آمده است: صفاءالحق غزل به سبک هندی می سروده و اشعارش یادآور مضامین و تعبیرات امثال غنی و غالب و بیدل است. در مقاله دیگری در این دایره المعارف به ویژگی های اشعار غمناک اشاره شده است (همان: ۱۲۷). این پژوهش هم مانند پژوهش های پیشین به مسائل تاریخ ادبیات و زندگی نامه این شاعران پرداخته است؛ در حالی که هدف ما در این رساله تحلیل سبک شعری چهار شاعر مذکور است که در هیچ یک از پیشینه هایی که ذکر شد اختصاصاً به این موضوع پرداخته نشده است.

انجام این پژوهش با تکیه بر منابع کتابخانه ای می باشد. با مطالعه و فیش برداری از منابع متعدد که در حوزه این پژوهش گردآوری می شود و دسته بندی کردن داده ها به صورت توصیفی-تحلیلی و با روش تحلیل محتوا اقدام به انجام و اتمام آن خواهیم کرد. سیاهه واری در این پژوهش که با روش کتابخانه ای انجام می شود و ابزار گردآوری داده ها، فیش است عبارت است از: ویژگی های زبانی (استعمال واژه ها و اصطلاحات عامیانه، سادگی) و ویژگی های ادبی (اسلوب معادله، اغراق، ایجاز، ایهام، تصاویر پارادوکسی، کثرت صورخیال) و ویژگی های فکری (اظهار یأس و نامرادی، بیان افکار مذهبی و دینی، گرایش به عرفان).

نتیجه گیری

غزلیات صفاءالحق از نظر زبانی، کاملاً منطبق با سبک هندی است. زبان عامیانه (کوچه بازاری) کاملاً در غزلیات وی نمود دارد؛ به نحوی که سی بیت از ۲۷۴ غزل وی شامل این نوع زبان است. غزلیات صفاءالحق از نظر فکری منطبق با سبک هندی است. روح یأس و ناامیدی و بیان نکات تعلیمی و اخلاقی جزء مهم ترین ویژگی های سبک هندی است. در غزلیات وی، سی و پنج بیت به روحیه یأس و ناامیدی، سی و چهار بیت به نکات تعلیمی و اخلاقی اختصاص یافته است. غزلیات صفاءالحق از نظر ادبی نیز منطبق با سبک هندی است. دو آرایه اسلوب معادله و بیان نقیضی (پارادوکس) از مهم ترین ویژگی های ادبی سبک هندی است که در غزلیات وی به طور متعدد به چشم می خورد. وی در چهل و سه بیت به بیان پارادوکسی و در سیزده بیت به اسلوب معادله اشاره کرده است. دیگر نکات ادبی غزلیات وی عبارت اند از: تشبیه: پنجاه و هفت بیت؛ اضافه تشبیهی: صد و بیست و یک بیت؛ تشبیه مرکب: هشت بیت؛ تشبیه مشروط: دو بیت؛ استعاره: هفت بیت؛ اضافه استعاری: پنجاه و پنج بیت؛ کنایه: سی و چهار بیت؛ ایهام و ایهام تناسب: نه بیت؛ تمثیل: سه بیت؛ تلمیح: پنجاه بیت.

غزلیات صابر از نظر زبانی، منطبق با سبک هندی است. زبان عامیانه (کوچه‌بازاری) کاملاً در غزلیات وی نمود دارد؛ به نحوی که هشت بیت از غزلیات ۱۸۱ گانۀ وی شامل این نوع زبان است. غزلیات صابر از نظر فکری نیز منطبق با سبک هندی است. روح یأس و ناامیدی، بیان نکات تعلیمی و اخلاقی، باور دینی و مذهبی (مذهب شیعه دوازده امامی) جزء مهم‌ترین ویژگی‌های سبک هندی است. در غزلیات وی، بیست بیت به روحیۀ یأس و ناامیدی، صد و هشت بیت به نکات تعلیمی و اخلاقی، یازده بیت به پیر، چهار بیت به بیان باور مذهبی (مذهب شیعه دوازده امامی) اختصاص یافته است. غزلیات صابر همدانی از نظر ادبی نیز منطبق با سبک هندی است. دو آرایۀ اسلوب معادله و بیان نقیضی (پارادوکس) از مهم‌ترین ویژگی‌های ادبی سبک هندی است که در غزلیات وی به‌طور متعدد به چشم می‌خورد. وی در نه بیت به بیان پارادوکسی و در شانزده بیت به اسلوب معادله اشاره کرده است. دیگر نکات ادبی غزلیات وی عبارت‌اند از: تشبیه: نه بیت؛ اضافه تشبیهی: صد و دو بیت؛ تشبیه مرکب: یک بیت؛ استعاره: دو بیت؛ اضافه استعاری: ده بیت؛ کنایه: بیست بیت؛ ایهام و ایهام تناسب: شش بیت؛ تمثیل: دوازده بیت؛ تلمیح: سی و یک بیت.

در نقاشی‌های کمال‌الملک که واقع‌گرایی یکی از مهم‌ترین مختصات آن است می‌توان توجه به اصول اخلاقی، مفاهیم سیاسی و اجتماعی موجود در جامعه را مشاهده کرد.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم با ترجمه مکارم شیرازی.
- ارسطو. (۱۹۷۹). الاخلاق. ترجمه: اسحاق بن حنین، کویت: چاپ عبدالرحمان بدوی.
- احمدی، زهت. (۱۳۸۳). «سبک اصفهانی (هندی) در دوره صفوی». فصلنامه فرهنگ اصفهان، ش ۲۷ و ۲۸، ۱۳۲-۱۳۷.
- اسکندری، رسول؛ حسینی، مهدی. (۱۳۹۶). «مشروطیت و ملی‌گرایی در آثار کمال‌الملک». جامعه‌شناسی و هنر و ادبیات، دوره نهم، ۲۱۲-۱۸۳.
- اسیر شهرستانی، جلال‌الدین میرزامومن. (۱۳۸۴). دیوان غزلیات. تصحیح: غلامحسین شریفی ولدانی، تهران: میراث مکتوب.
- امام علی. (۱۴۲۴). نهج‌البلاغه، شریف رضی. تحقیق: صبحی صالح، قم: دارالحدیث.
- اویسی کهخا، عبدالعلی. (۱۳۹۰). «فروغی بسطامی و غزل بازگشت». پژوهشنامه ادب غنایی، دانشگاه سیستان و بلوستان، ش ۱۶، ۲۴-۵.
- براهنی، رضا. (۱۳۷۱). طلا در مس. تهران: نویسنده.
- اویسی کهخا، عبدالعلی. (۱۳۹۰). «فروغی بسطامی و غزل بازگشت». پژوهشنامه ادب غنایی، دانشگاه سیستان و بلوستان، ش ۱۶، ۲۴-۵.
- بروان، ادوارد. (۱۳۷۵). تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر قاجار. مترجم: بهرام مقدادی، تهران: مروارید.

- بهار، محمدتقی. (۱۳۶۸). دیوان، حسین آهی. چ ۲، تهران: کتابفروشی فروغی.
- (۱۳۷۶). سبک‌شناسی و تاریخ تطور نثر فارسی. تهران: مجید.
- پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۱). سفر در مه، تأملی در شعر احمد شاملو. تهران: نگاه.
- تقوی، نصرالله. (۱۳۱۷). هنجار گفتار: در فن معانی و بیان و بدیع فارسی. تهران: بی‌نا.
- دبیر سیاقی، محمد. (۱۳۷۰). پیشاهنگان شعر فارسی. چ ۳، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- درپر، مریم. (۱۳۹۲). سبک‌شناسی انتقادی. تهران: علم.
- دیچز، دیوید. (۱۳۶۶). شیوه‌های نقد ادبی. ترجمه: غلامحسین یوسفی و محمدتقی صدقیانی، تهران: علمی.
- دیلمی، حسن‌بن‌محمد. (۱۳۷۱). ارشادالقلوب. قم: الشریف‌الرضی.
- دستغیب، عبدالعلی. (۱۳۳۹). سبک هندی، پیام نوین، ش ۱، ۱۱-۱.
- ذاکری، احمد. (۱۳۴۸). «مقیاس‌های شاعرانه و سبک هندی». نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، ش ۱۲۶.
- راستگو، سید محمد. (۱۳۸۳). عرفان در غزل فارسی. تهران: علمی و فرهنگی.
- رجایی، محمدخلیل. (۱۳۹۲). معالم‌البلاغه در علم معانی، بیان و بدیع. شیراز: دانشگاه شیراز.
- رحیمی اصفهانی، غلامحسین. (۱۳۶۸). اخلاق اسلامی. قم: غلامحسین رحیمی اصفهانی.
- رزمجو، حسین. (۱۳۷۲). انواع شعر فارسی و آثار آن در زبان فارسی. چ ۲، مشهد: آستان قدس رضوی.
- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۸۰). انواع شعر فارسی. چ ۳، شیراز: نوید.
- ری شهری، محمد مهدی. (۱۳۹۳). میزان‌الحکمه. مترجم: حمیدرضا شیخی، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
- سعادت‌فر، حجت‌اله. (۱۴۰۰). «نسبت و جوه بازنمایانه سبک کمال‌الملک با نقاشی دهه ۸۰ و ۹۰ ایران براساس نظام سبکی ولفین». پیکره، دوره ۱۰، شماره ۲۶، ۶۶-۵۳.
- سعدی، مصلح‌الدین. (۱۳۸۵). کلیات سعدی. تصحیح: محمدعلی فروغی، تهران: هرمس.
- جرجانی، علی‌بن‌محمدبن‌علی. (۱۴۰۳). التعریفات، ضبطه و صححه جماعة من العلماء بإشراف الناشر. لبنان: دارالکتب العلمیة بیروت.
- جوادی، محسن. (۱۳۸۵). بررسی تئوری‌های حقیقت‌صدق. قم: حوزه علمیه قم.
- حسینی، سید حسن. (۱۳۷۶). سپهری و سبک هندی. تهران: سروش.
- خوانساری، محمد. (۱۳۷۳). منطق صوری. تهران: آگاه.
- سنایی، ابومجد مجدودبن‌آدم. (بی‌تا). دیوان سنایی. به کوشش علی‌محمد صابری و رقیه تیموری.

- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۹). شاعر آینه‌ها. تهران: آگاه.
- (۱۳۷۸). صورخیال در شعر فارسی. تهران: آگاه.
- (۱۳۸۴). شاعر آینه‌ها. تهران: آگاه.
- (۱۳۹۲). زبان شعر در نثر صوفیه. تهران: سخن.
- (۱۳۷۶). موسیقی شعر. چ ۵، تهران: آگاه.
- (۱۳۸۶). شاعر آینه‌ها. تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۶۹). سیر غزل در شعر فارسی. چ ۲، تهران: فردوسی.
- (۱۳۷۳). معانی. تهران: میترا.
- (۱۳۷۴). سبک‌شناسی شعر. تهران: فردوس.
- (۱۳۷۶). سیر غزل در شعر فارسی. چ ۵، تهران: فردوسی.
- (۱۳۸۹). انواع ادبی. تهران: میترا.
- (۱۳۸۷). بیان و معانی. تهران: میترا.
- (۱۳۷۲). نگاهی تازه به بدیع. چ ۵، تهران: چاپخانه تابش.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۶). نگاهی تازه به بدیع. تهران: میترا.
- صائب تبریزی، محمدعلی. (۱۳۷۱). دیوان صائب تبریزی. به کوشش محمد قهرمان، تهران: علمی و فرهنگی.
- صبور، داریوش. (۱۳۷۰). آفاق غزل فارسی. چ ۲، تهران: گفتار.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۵۷). گنج سخن. چ ۶، تهران: دانشگاه تهران.
- (۱۳۹۰). حماسه‌سرایی در ایران. تهران: امیرکبیر.
- صورتگر، لطفعلی. (۱۳۴۵). منظومه‌های غنایی ایران. تهران: دانشگاه تهران.
- عارفی، عباس. (۱۳۸۴). مطابقت صور ذهنی با خارج: پژوهشی درباره رئالیسم معرفت‌شناختی و ارزش شناخت، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- علوی مقدم، مهیار. (۱۳۸۷). نظریه‌های نقد ادبی معاصر. تهران: سمت.
- عنصرالمعالی، کیکاوس بن اسکندر. (۱۳۸۶). قابوس‌نامه. به کوشش غلامحسین یوسفی، تهران: علمی و فرهنگی.
- غزالی، محمدبن محمد. (۱۳۸۶). إحياء علوم‌الدین. محقق / مصحح: عبدالرحیم بن حسین حافظ عراقی، بیروت: دارالکتب العربی.
- (۱۹۶۴). میزان‌العمل. قاهره: چاپ سلیمان دنیا

- غلامرضایی، محمد. (۱۳۸۱). سبک‌شناسی شعر فارسی از رودکی تا شاملو. تهران: جامی.
- غنی کشمیری. (۱۰۷۹ق). دیوان، به کوشش احمد کرمی. تهران: انتشارات ما.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۰). سبک‌شناسی نظریه‌ها و رویکردها و روش‌ها. تهران: سخن.
- قهرمان، محمد. (۱۳۸۳). برگزیده اشعار صائب و دیگر شعرای معروف سبک هندی. تهران: سمت.
- کلیم کاشانی، ابوطالب. (۱۳۳۶). دیوان. تصحیح: پرتو بیضایی کاشانی، تهران: خیام.
- لنگرودی، شمس. (۱۳۷۲). سبک هندی و کلیم کاشانی. تهران: مرکز.
- المظفر، محمدرضا. (۱۳۷۳). المنطق (ترجمه و اضافات علی شیروانی). قم: دارالعلم.
- موحد، ضیاء. (۱۳۷۸). سعدی. تهران: طرح نو.
- ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۶۹). از گوشه و کنار ادبیات فارسی. تهران: توس.
- نادری، پگاه. (۱۳۹۸). «مطالعه تطبیقی سبک زیبایی‌شناسی در آثار ملک‌الشعرا و کمال‌الملک». همایش پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران.
- نراقی، محمدمهدی بن ابی‌ذر. (۱۹۶۷). جامع‌السعادات. نجف: چاپ محمدکلانتر.
- نسفی، عزیزالدین. (۱۳۵۲). الإنسان الكامل (نسفی). مصحح: ماریژان موله، تهران: انتشارات طهوری.
- نوری کوتنایی، نظام‌الدین. (۱۳۸۹). مکتب‌ها، سبک‌ها و جنبش‌های ادبی و هنری تا پایان قرن بیستم. تهران: یادواره اسدی ثامن الائمه.
- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۷۴). فنون صناعت و بلاغت ادبی. تهران: هما.
- (۱۳۸۵). مولوی‌نامه؛ مولوی چه می‌گوید؟. تهران: هما.

Adams, H. (۱۹۸۱). The Education of Henry Adams: An Autobiography. Boston: Houghton.

Baghaee Moghadam, P. (۲۰۰۴). Effective factors in achievement of virtual university, Proceeding of National Conference on the Development of Virtual University, Kashan, Iran.

Brett, R. D., Johnson, S. W., and Bach, C. (۱۹۸۹). Mastering String Quartets. San Francisco: Amati Press.

Sosteric, M. (۱۹۹۶). The grand information future. Electronic Journal of Sociology, ۴ (۱).
Retrieved June ۲۷, ۲۰۰۱, from <http://www.sociology.org/content/vol۰۰۴,۰۰۱/sosteric.html>